

سخنی با روحانیان

محمد کاظم انبالوی

فردا روز شهادت امام رضا(ع) است مردی که به حق باتدبیر، شجاعت، زیرکی و هوشمندی خارق العاده‌ای در یکی از مخوفترین پیچهای تاریخ از شرف انبیا و اولیای الهی و آموزه‌های توحیدی نگاه‌بانی کرد. این روزها در حال و هوای رحلت پیامبر اکرم(ص) و امام حسن مجتبی و اهل بیت نبوی هستیم کسانی که در راه خشنودی خدا در موج هر خطر غوطه زدند و شرنگ هر درد را جرعه جرعه نوشیدند و تمامی عمر پربار و برکتشان با خطرپذیری و خون دل خوردن گذشت.

شمار روحانیان وارث دستاوردهای خونین انبیا و اولیای الهی هستید که به کوشش امام خمینی(ره) اعجوبه قرن ما در نظام مقدس جمهوری اسلامی با خون هزاران شهید تجلی یافته است. انقلاب ما اکنون به دلیل در برگیری همه تلاشهای خوبان در طول تاریخ و ارزشهای الهی مورد هجوم دشمنان قسم خورده‌ای است که از هر طرف به آن ضربه می‌زنند و لحظه لحظه دایره محاصره را تنگ‌تر می‌کنند.

امروز جریان نفاق مدام در پیچیده‌ترین شکل آن در زیر پوست ذهن مومن‌ترین و شریف‌ترین انسانها و سوسه می‌کند و در حال سربازگیری در حوزه و دانشگاه و نفوذ در ارکان حکومت است.

آنان هر روز؛

- به رنگهای گوناگون در می‌آیند و از هر ترفند بهره می‌گیرند.

- در کورتر کردن گره گرفتاریها می‌کوشند و هر امیدی را به ناامیدی بدل می‌سازند.

- آنان هر حقی را باطلی، هر راست را کژی، هر در بسته را کلیدی و هر شبی را چراغی تدارک دیده‌اند.

- سخنان شبهه‌آفرین و تحلیلهای گیج‌کننده دارند، راه را آسان می‌نمایانند و سپس تنگناها را به بن بست می‌کشانند.

اینها بخشی از کارنامه سیاسی آنهاست که مولای متقیان علی بن ابی طالب به ما معرفی می‌کند. (۱)



اگر خداوند متعال فرصتی می‌داد علما و مراجع دوران «مشروطه» زنده می‌شدند و به اعمال و رفتار سیاسی خود نگاهی می‌انداختند، چگونه آن را نقد می‌کردند؟

اگر پروردگار عالم فرصتی می‌داد علما و مراجع عهد نهضت ملی نفت زنده می‌شدند و عملکرد خود را نقد می‌کردند با مردم خود چه می‌گفتند؟ چرا آن دو نهضت بزرگ به شکست منجر شد؟ چرا استبداد و استعمار خارجی از دل آن همه فداکاری و از خودگذشتگی و آن مراوت‌ها و رنج‌ها بیرون آمد؟

بقیه در صفحه ۱۶

سخنی با روحانیان

بقیه از صفحه اول

آیا در نهضت اسلامی ما که به همت امام خمینی (ره) پا گرفت و اکنون نیز سرپایستاده است همان تهدیدها و همان نگرانیها هست؟ بیایم از آیت الله سید محمد طباطبایی و آیت الله سید عبدالله بهبهانی و علمای نجف مرحوم آیت الله آخوند خراسانی و مرحوم آیت الله شیخ عبدالله مازندرانی بی پرسیم اشتباهات سماچه بود؟ چرا برای نهضت مشروطه آن سرنوشت بیدار آمد؟ بیایم از مرحوم آیت الله کاشانی، شهید نواب صفوی و آیت الله بروجردی بی پرسیم چطور شد از دل نهضت ملی نفت، کودتای ۲۸ مرداد و غارت ۳۰ ساله نفت ایران و بازگشت مجدد زور و سلطه امپریالیسم جهانی بیرون آمد؟ بی تردید آنها فهرست زیر را به عنوان اشتباهات خود برای ما به عنوان تجریات تاریخی بیان می کردند.

۱- وقتی اسلام، احکام اسلامی و علمای عامل و متقی مورد هجوم استبداد و عمله استعمار خارجی بود ما یک صدا عمل نمی کردیم.

۲- در صفوف ما عناصری بودند که هیچ اعتقادی به اسلام و آزادی و مشروطه و ملی شدن نفت و رفع سلطه بیگانه نداشتند اما در صف اول چنان می نمودند که گویی از همه مومن تر هستند. همانها ضربه اصلی را زدند.

۳- در صفوف ما، کسانی بودند که بی آنکه خود بدانند حرفهای دشمن را تکرار می کردند و وقتی کار از کار گذشته انگشت حسرت به دندان گزیدند.

۴- مفاهیم اصلی که برای آن می جنگیدیم از اول تعریف نشده بود و تا آخر هم تعریف نشدند و هر که زوروش بیشتر بود، تعریف خود را تحمیل می کرد. مفاهیمی چون «مشروطه»، «آزادی»، «عدالت»، «شورا»... حتی ملی شدن نفت!

۵- کار را با هم شروع کردیم اما برخی از نیمه راه برگشتند، برخی از ما بی جهت در برابر هم قرار گرفتیم. بعد فهمیدیم اغیار از طریق نفوذها گاهی حرفهای خودشان را از زبان بعضی از ما می گویند.

و بالاخره همه ما تا آخر نایستادیم.

۶- برخی در صفوف ما بودند که ما نبودند نه می توانستیم آنها را طرد کنیم و نه می توانستیم با آنها کار کنیم. می دانستیم هیچ اعتقادی به اسلام ندارند و عمله استعمارند اما کاری نمی توانستیم بکنیم. اثبات خائن بودن آنها هم برای ما و هم برای مردم مشکل بود.



امروز چه خوب است یک نیم نگاهی به اوضاع و احوال سیاسی جامعه خود بکنیم. مطبوعات آینه تمام نمای تاخت و تاز نامرحمان سیاسی است.

علمای پیشین هرگز زنده نخواهند شد و با ما سخن نخواهند گفت. اما تاریخ در دکان ۱۰۰ ساله اخیر را اگر خوب بخوانیم آنها با زبان بی زبانی به ما خواهند گفت: الف: چرا با کسانی که با حکومت فاسد مخالفت می کنند و علانین را ایون توده ها و حکومت ما معرفی می نمایند، دیه نمی گیرید؟

ب - چرا با کسانی که به مقدسات مردم و مقدسات الهی اهانت می کنند مطابق حکم خدا بر خود خورد نمی نمایید؟

ج - چرا با کسانی که امام (ره) روشن بینان آنها را بدتر از منافقین نامید و شما را از مجالست و همزیانی با آنان بر حذر داشت، روی بر نمی گردانید.

همگرایی و همزیانی با آنان و همزمان بی مهری به برخی از رفقایتان چه

معنی می دهد؟

د - چرا آموزه های فاشیسم، لیبرالیسم و مارکسیسم را که منافقان باز تولید می کنند و در بسته بندیهای جدید به عنوان حرف نو به بازار اندیشه می آورند، تکرار می کنید؟

برای شما عجیب نیست در برخی رسانه های مکتوب سخنان مراجع عظام تقلید را اسانوسور می کنند، اما کسانی از شما را که حرفهای آنها را تکرار می کنید با تیر اول و با عکس بزرگ منعکس می کنند؟

هـ- در زمان خفقان رضاخان به زور می خواستند شجره طویه روحانیت را از بیخ و بن در آورند و مانند تیر فاحشه اسلام را بپا کنند. علما مقاومت کردند، مرعوب سرنیزه رضاخان نشدند. امروز که به برکت انقلاب اسلامی در قم، مشهد، اصفهان و مراکز استانها هزاران طلبه در حوزه های علمیه با نشاط کار علمی می کنند و روز به روز به سربازان امام زمان (عج) و نگهبانان فرهنگ دین و احکام الهی اضافه می شود، چه شده است برخی مرعوب چند جوجه روشنفکر غرب زده بی هویت شده اید؟

ز - چرا برخی کار سیاسی را راه کرده اید؟ دیگر آن نشاط روزهای خوش ایثار و فداکاری را ندارید؟ کار سیاسی یا صفر یا صد نیست. یک عددی بین این دو هست که آن را باید با توجه به شرایط زمان پیدا کرد و در صحنه حضور داشت و الا غوغا سالاران مدیریت افکار عمومی را به نفع مقاصد شوم خود در دست خودناهار گرفت!

ح - چرا برخی، که می دانید در صفوف سیاسی شما هستند و هیچ اعتقادی به اسلام و انقلاب و ولایت فقیه ندارند - تنه به دلیل چندرای بیشتر در رقابتهای سیاسی - از خود طرد نمی کنید. اینها اگر در کوتاه مدت به نفع شما باشند در دراز مدت فاتحه انقلاب را خواهند خواند و به شما هم رحم نخواهند کرد.

چرا به کسانی که صریحاً می گویند «نهاد دین باید از نهاد حکومت جدا شود و چهار نعل به سوی سکولاریزاسیون برویم» و آن را ترجمه بازسازی شده جدایی دین از سیاست می دانند، در صف اول مبارزات حزبی و گروهی و انتخاباتی، جایگاه ویژه داده اید. آیا این کار مجوز دادن به آنها برای حذف همیشگی شما از تاریخ سیاسی کشور نیست.

ط - اختلاف خودتان را به میان مردم نبرید. دشمن را خوشحال و امیدوار و منافقان را فعال می کند.

ی - مفاهیم مشترک را تعریف کنید و نگذارید منافقان و دشمنان قسم خورده نظام تعاریف خود را به شما و مردم قالب کنند. متأسفانه «اصلاح طلبی»، «آزادی»، «جامعه مدنی» و «دموکراسی» را دشمن تغییر در ساختار سیاسی نظام و سرنگونی نظام و ایجاد یک حکومت لایک و سکولار تعریف و ترجمه کرده است و برای این ترجمه هزینه های زیادی پرداخت کرده به گونه ای که حرف خود را گاهی از زبان شما و حتی نهادهای رسمی نظام می زند. آیا این خطر را درک می کنید؟



اخیار اسروصداهایی به گوش می رسد که نوید یک حرکت نو، امیدوارکننده و خوب را می دهد. علمایی که در این وادی خوب عمل کنند بی شک نامشان در تاریخ ایران ماندگار خواهد شد. چشم نگران تاریخ به این نقطه معطوف شده که روند جدایی کی و چطور رخ خواهد داد.

پاورقی:

۱- خطبه ۷۸۵ علی (ع) در توصیف منافقان